

گزارش| نقش حوزه‌های علمیه در تقریب مذاهب/ امکان تقریب در منابع فقه اجتهادی وجود دارد



به گزارش حوزه اندیشه **خبرگزاری تقریب**، پیش از تشکیل یک حوزه کلان مرکزی، تاسیس حوزه های کوچک و بزرگ مشترک ضرورت دارد. این عمل علاوه بر اینکه نشان دهنده سعه صدر علمای فرقه ها است، موجب می شود محصلان و استادان وابسته به مذاهب از نزدیک با مبانی و اندیشه های یکدیگر آشنا شوند. در این صورت دیوار بلند و کهن بی اعتمادی و بی خبری کوتاه تر خواهد شد.

نقش سخت افزاری حوزه های علمیه

مقصود از نقش سخت افزاری، شرایط سازمانی و برنامه عملیاتی است که حوزه های علمیه می توانند در مسیر تقریب با مذاهب اهل سنت در پیش بگیرند. در ذیل مهمترین نقش سخت افزاری حوزه های علمیه

را در فرایند تقریب مذاهب اسلامی بررسی می کنیم:

1 - تاسیس حوزه های مشترک

وجود حوزه های علمیه مشترک میان طلاب مذاهب اسلامی راهکار امروزی نیست، بلکه خاستگاه 1300 ساله دارد. در دوران امامت امام صادق «ع» بیش از چهار هزار دانشمند وجود داشت که اکثر آنها از فقها بودند و در میان آنها ائمه مذاهب مانند مالک بن انس، ابوحنیفه النعمان و سفیان ثوری به چشم می خوردند. این در حالی بود که بسیاری از این افراد از لحاظ مبانی کلامی با امام صادق «ع» هم افق نبودند، اما به رغم اختلافات فرعی ارتباط تنگاتنگی میان مذاهب اسلامی وجود داشت و تعصب در محل تحصیل و استاد معنایی نداشت. برای مثال امام ابوحنیفه بعد از سالها شاگردی در دستگاه علمی امام صادق «ع» می گوید: «کسی را فقیه تر از جعفر بن محمد نیا فتم»

گرچه در شرایط کنونی برخی، از مرکز مدیریت حوزه های علمیه شیعه و سنی به صورت مشترک سخن می گویند اما به نظر می رسد که پیش از تشکیل یک حوزه کلان مرکزی، تاسیس حوزه های کوچک و بزرگ مشترک ضرورت دارد. این عمل علاوه بر اینکه نشان دهنده سعه صدر علمای فرقه ها است، موجب می شود محصلان و استادان وابسته به مذاهب از نزدیک با مبانی و اندیشه های یکدیگر آشنا شوند. در این صورت

دیوار بلند و کهن، بی‌اعتمادی و بی‌خبری کوتاه‌تر خواهد شد.



2 - تاسیس رسانه های مشترک

این مسئولیت تنها توسط حوزه های علمیه و عالمان بزرگ منش آن قابل تصدی است. تاسیس نشریات مشترک، رادیو و تلویزیون مشترک، سایت های اینترنتی مشترک و استفاده از ابزارهای هنری مشترک یک آرمان بر زمین مانده است که هرچند دیگران به ویژه دولت ها و سازمان های اسلامی در این خصوص مسئولیت دارند، اما اهمیت نقش هیچکدام به اندازه مراکز علمی فرقه های اسلامی نیست، زیرا متون دینی و محتوای تعالیم و معارف دینی در اختیار آنان است.

3 - تشکیل شوراهای اخوت اسلامی

در سالیان اخیر کنفرانس ها و اجلاس های زیادی در مناطق مختلف

اسلامی و با حضور علما و اندیشمندان مذاهب اسلامی برپا شده است. اما همگان اذعان دارند که این کنفرانس ها، آن چنان که باید و شاید نتوانسته است میان مذاهب اسلامی نوعی قرابت و همدلی به وجود آورد. شاید یکی از دلایل ناکامی این است که بانیان این چنین نشست هایی دولت ها و موسسات حکومتی هستند که خواه ناخواه به ورطه سیاست بازی ها می غلتند. در حقیقت کنفرانس ها به ویتترین های تبلیغاتی تبدیل می شود که مصارف خاصی دارد. اما به نظر می رسد چنانچه مراکز علمی و حوزه های علمیه بانی چنین کنفرانس هایی باشند نتیجه تفاوت خواهد کرد. زیرا مراکز دینی و علمی در میان مذاهب اسلامی جایگاهی دارند که سایر نهادها از آن بی بهره اند. در حقیقت عموم مسلمانان سخن و اقدام مراکز دینی و شخصیت های حوزه ها را فصل الخطاب دانسته و در عمل به تجویزات آن پایبندی نشان می دهند.

اهمیت شوراهای اخوت در مناطقی که پیروان دو یا چند مذهب اسلامی حضور دارند کمتر از اهمیت اجلاس ها و کنفرانس ها نیست. شوراهای اخوت دامنه محدودی دارند و بیشتر در مناطقی شکل می گیرند که به تضادهای مذهبی دچار هستند. اما به نظر می رسد که جوامع اسلامی در سطوح کلان به وجود چنین شوراهایی نیازمند است، شوراهایی که نه برای رفع بحران بلکه برای ارتقای اتحاد و همبستگی میان مذاهب

اسلامی تشکیل شده است. به نظر می رسد شکل گیری چنین شوراهای نظام مندی، در شکل مطلوب، از عهده مراکز و حوزه های علمیه برمی آید.

نقش نرم افزاری حوزه های علمیه مقصود از نقش نرم افزاری، تلاش های تمهیدی، فکری و اندیشه ای است که در حقیقت بنای تقریب مذاهب بر آن استوار می گردد. به نظر می رسد ایجاباتی که در ذیل می آید، فرایند تقریب میان مذاهب را تسهیل می نماید:



1 - ترویج معنویت گرایی در حوزه ها
خصوصیت معنویت و تقوا این است که انسان ها را خاضع و انعطاف پذیر بارآورده و سعه صدر آنها را افزایش می دهد. در حقیقت

مهمترین عامل ایجاد اختلافات نامعقول، عدم تقوای الهی است و شهرت طلبی، خودنمایی، پیروی از هواهای نفسانی و تعصبات کور نشأت گرفته از ناپرهیزگاری است. در مقابل، پرهیزگاری از عوا مل وحدت و انسجام یک جامعه انسانی است. خداوند در قرآن می فرماید: « فاتقوا الله و اصلحوا ذات بینکم: پس از مخالفت خداوند بپرهیزید و میان برادرانی که با هم ستیزه دارند، آشتی برقرار کنید» در این آیه بعد از امر به تقوا، به اصلاح و حل اختلاف امر شده است. پس تقوا، اصلاح و حل اختلاف را موجب می شود. بنا براین تجهیز علمای دین و زعمای حوزه های علمیه به این ویژگی علاوه بر طهارت روح و افزایش کرامت آنان نزد خداوند، موجب می شود که اختلافات فرعی و جزئی میان مذاهب به کینه جویی ها، افزون طلبی ها و در نهایت تکفیر میان مذاهب تبدیل نشود و اساس دین را به مخاطره نیندازد.

2 - تاکید بر اصول و فروع مشترک
در میان تمام مذاهب و فرقه های اسلامی اصولی وجود دارد که در حقیقت علاوه بر این که شرط مسلمانی است، در آن اختلاف نظری وجود ندارد. اصول توحید، نبوت و معاد سه اصل اساسی دین اند و فرایضی مانند نماز، روزه، حج، جهاد و زکات فروعی هستند که همه مذاهب اسلامی به آن باور دارند.

آنچه روشن است این است که وجوه اشتراک زیادی در فروعات فقهی و

کلامی میان پیروان مذاهب اسلامی وجود دارد و اگر موارد اختلاف را، از جمله میان شیعه و سنی، در نظر بگیریم درمی یابیم که نه از لحاظ کیفی و نه از لحاظ کمی با اصول و باورهای مشترک میان شان قابل قیاس نیست.

3 - تاکید بر مرجعیت علمی اهل بیت «ع»
منظور از مرجعیت علمی اهل بیت «ع»، نقطه مشترکی است که مسلمانان بر آن اتفاق نظر دارند. روایات بسیاری توسط فریقین از پیامبر نقل شده که در آنها مصداق اهل بیت به روشنی ذکر شده است. علاوه بر اینها در روایات متعدد دیگری نیز که از رسول خدا نقل شده است، علی «ع»، فاطمه «س»، حسن «ع» و حسین «ع» به عنوان مصداق اهل بیت معرفی گردیده اند.
همچنین احادیث فراوان مشترک نیز در خصوص وجهه علمی اهل بیت «ع» وجود دارد که سرآمد آنها حدیث ثقلین از زبان رسول خدا «ص» است. این حدیث شریف که بیش از سی صحابی آن را نقل کرده اند در صحاح معتبر اهل سنت آمده است. بسیاری از بزرگان اهل سنت نیز معتقدند حدیث ثقلین بیشتر بر مرجعیت علمی و فقهی اهل بیت «ع» دلالت می کند تا مرجعیت سیاسی آنان. گرچه این حدیث در کلام شیعی بار سیاسی نیز دارد اما در پروسه تقریب میان مذاهب اسلامی ضرورتی ندارد که به جنبه سیاسی حدیث استدلال شود، بلکه باید فرصت اذعان علمای اهل سنت به عظمت علمی اهل بیت «ع» را غنیمت دانست و بر

این وجهه حدیث تکیه نمود.
آیت ا^۱ بروجردی عقیده داشت اگر شیعه در اثبات مذهب خود به مفاد همین حدیث و مرجعیت علمی اهل بیت «ع» اکتفا کند، قادر خواهد بود مسلمانان را دور هم گرد آورد و از اختلافات جلوگیری کند. علمای بزرگ اهل سنت نیز همواره از عظمت علمی و فقهی اهل بیت «ع» با احترام زیاد یاد می کنند و اسامی ائمه «ع» در لیست منابع کلامی و فقهی معتبر آنها بسیار دیده می شود.



4 - گفتگوهای عالمانه و غیرمتعصبانه
در حقیقت یکی از مسائل موجب اختلاف، بی اطلاعی مسلمانان از آموزه های مذهبی یکدیگر و ناآگاهی نسبت به تعالیم، احکام فقهی و فرعی مذاهب اسلامی است که مهمترین نقش را در تعصبات جاهلانه دارد و در

صورتی که میان آنان تفاهم حاصل شود، بسیاری از اختلافات از بین می رود.

قرآن کریم مسلمانان را به بهترین شکل مجادله فرامی خواند: « ادع الی سبیل ربک بالحکمه و الموعظه الحسنه و جادلهم بالتی هی احسن» البته چنان که گفته شد گفتگوها و مناظرات باید در چارچوب طرح مشترکات انجام پذیرد، زیرا این کار اعتماد طرفینی ایجاد نموده و بسیاری از سوتفاهمات ناشی از جهل را از بین می برد. گفتگو میان عالمان و حوزه ها و مراکز دینی و علمی فرقه های اسلامی شرایط دیگری دارد که مهمترین آن این است که باید میان اندیشمندان و عالمان برجسته و میان نهادهای ریشه دار همانند حوزه های علمیه نجف اشرف، حوزه علمیه قم و جامعه الازهر و دیگر مراکز معتبر دینی صورت بگیرد. گفتگوهای عالمانه و غیرمتعصبانه ای که از طرح مشترکات آغاز می شود، چه بسا به انجام توافقات در باب فروع اختلافی منجر شود. در حقیقت این نوع گفتگو ابزاری برای شناخت وجوه اشتراک و افتراق قلمداد می شود. متأسفانه در پندار عامه مردم فرضیات ناصواب و ناشی از تعصبات جاهلانه نسبت به فرقه های دیگر شکل گرفته که این امر باید اصلاح شود. تنها راه اصلاح و تغییر نگرش به سوی مثبت شدن، ارتباط و تعاملات کثرت گرایانه و کریمانه میان نهادهای دینی طرفین یا اطراف امور خواهد بود.

5 - اصلاحات در مبانی و منابع آموزشی و علمی

باید اذعان نمود که منابع آموزشی و مبانی علمی حوزه ها و مدارس علمیه شیعه و سنی در شرایط فعلی به شدت درون مذهبی است. این بی

خبری آغشته به جهل از منابع سایر مذاهب، چالش ها و مصائبی را به وجود می آورد که بر کسی پوشیده نیست. از این رو به نظر می رسد که حوزه های علمیه فرقه های اسلامی از یک سو باید در مراجعه و استفاده از مبانی و منابع دیگران تعصب به خرج ندهند و از سوی دیگر به صورت سخاوت مندانه منابع و دست یافته هایشان را در ابواب مختلف علوم بدون برانگیختن حساسیت، در اختیار مراکز و نهادهای دینی و علمی جریان های مذهبی دیگر قرار دهند. اگرچه در بسیاری از رشته های علمی میان فرقه های اسلامی

اختلافاتی وجود دارد، اما بی گمان فقه و کلام دو رشته ای است که اساس شعبه شعبه شدن مذاهب اسلامی، از اختلاف در مبانی، منابع و اسلوب آنها ناشی شده است. از این رو تمرکز حوزه های علمیه در بازاندیشی در این دو رشته بسیار مهم است.

الف) بازاندیشی در مبانی اجتهاد و تاسیس فقه تطبیقی تفاوت در مبانی و منش اجتهاد میان فرقه های اسلامی را نباید به عنوان تهدید نگریست. ذات مبانی، مسائل و موضوعات اجتهادی نمی تواند میان مذاهب اسلامی شکاف ایجاد کند، مگر اینکه با رویکرد فرصت طلبانه و مغرضانه به آنها نگریسته شود. اجتهاد میتواند

عاملی از عوامل توافق و تقریب باشد، مشروط به آنکه هیچ مجتهد و

فتوادهنده ای ادعای درک حقیقت کامل را نداشته باشد.

هم اکنون نیز هیچ یک از مراجع شیعه و مفتی های اهل سنت در

اجتهاد و فتاوایشان فهم حق مطلق را ادعا نمی کنند، زیرا بر این

باورند که کشف و فهم مطالب و موضوعات علمی به شدت نسبی است و

در این باب حکم ثابت و ابدی وجود ندارد. بنابراین روشن می شود

که تا چه اندازه زمینه مباحثات فقهی میان حوزه ها و اصحاب حوزه

فراهم است.

آیت ا^{علیّه} جناتی از پیشگامان معاصر تقریب مذاهب درباره تقریب در

مبانی اجتهاد می گوید: « برای من که در این زمینه حدود 22 مذهب

را مورد بررسی قرار داده ام، ثابت شده است که امکان تقریب در

معظم مبانی و منابع فقه اجتهادی، بین آنها وجود دارد. درباره

کمی از آنها اگرچه امکان تقریب وجود ندارد، ولی این اختصاص به

مذهب امامیه با آنها ندارد، بلکه میان برخی از مذاهب اهل سنت

با برخی دیگر این امر وجود دارد. این گواه آن است که منشا

اختلاف، مذهب نیست بلکه نظری بودن مسائل است و چنین اختلافاتی در

آنها امری عادی و طبیعی است.»



تاسیس و تقویت رشته فقه تطبیقی
 احمد حسن باقوری، وزیر اوقاف پیشین مصر معتقد است:
 «اختلاف اهل سنت و شیعیان بیشتر به خاطر عدم آگاهی و جهل است.
 چون جمهور فریقین از دلایل و آرای همدیگر اطلاع و آگاهی درستی
 ندارند. انتشار فقه شیعه میان اهل سنت و انتشار فقه اهل سنت
 میان شیعه از مهمترین عوامل از بین رفتن اختلاف بین دو فرقه است
 و اگر بعد از آن اختلافات ناچیزی هم در میان باشد، همواره با
 احترام متقابل مورد اغماض خواهد بود»
 نخستین فرد متصدی فقه تطبیقی امام صادق «ع» بود. البته حضور
 فقه مقارن در مراکز دینی و حوزه های علمیه فریقین چندان بی
 سابقه هم نیست و از دیرباز علمای بلنداندیش برای مقایسه آرا و
 اقوال مذاهب اسلامی در مسئله ای به منابع آنان مراجعه می

نمودند. شیخ شلتوت نمونه چنین افراد بلندنظری است. در میان علمای شیعه نیز آیت الله مکارم شیرازی درباره فقه مقارن می گوید»

« ما در بسیاری از مسائل با مذاهب دیگر مشترک ایم. وقتی فقه آنها را در کنار فقه خودمان مطالعه می کنیم، جرقه های فکری در مسائل مشترک که در میان است، ما هم از آن استفاده می کنیم و بالعکس. همین طور بدون مطالعه فقه مقارن نمی توانیم روایات ائمه را فهم کنیم. چرا که روایات در جوی صادر شده است که میان اصحاب ائمه «ع» و غیر اصحاب ائمه «ع» همواره ارتباط وجود داشته است. لذا اگر بخواهیم اصطلاحات ائمه «ع» را درک کنیم نمی توانیم بدون اطلاع از مذاهب دیگر وارد شویم.»

ب) بازاندیشی در منابع کلامی
صرف نظر از فقه و اجتهاد، علم کلام هم در تشدید اختلاف و ایجاد شکاف و هم در ترمیم روابط و تقریب مذاهب نقش مهمی دارد. منابع سنتی علم کلام نمی تواند یک تصویر حقیقی از وضعیت علمای مکاتب کلامی گذشته ارائه دهد.

در حوزه ها و مراکز علمی به انجام تحقیقات و مطالعات گسترده تر و نیز دائره المعارفی جهت انجام مقایسه میان آرای کلامی نیاز داریم، به گونه ای که متصدیان خود را از تمایل تا تعصب دور نگه دارند، زیرا باید این واقعیت را بپذیریم که در کلام نیز ثابتهات

و متغیراتی وجود دارد که در این مجال نیز می توان با احترام به اعتقادات ثابت کلامی مذاهب، بر روی متغیرها که بخش قابل توجهی از اختلافات مربوط به آنهاست، گفتگو نمود.

متأسفانه درصد بالایی از مسلمانان (چه شیعه و چه اهل سنت) از مسائل فقهی و کلامی خود و دیگران اطلاعات مستدل چندانی ندارند و حتی نوآموزانی که وارد مدارس دینی می شوند، تا پایان تحصیلاتشان نسبت به آموزه های فقهی و کلامی طریقت دیگر بی اطلاع می مانند و این فرصت مناسبی را در اختیار گروههای تکفیری و افراطی قرار می دهد که نسبت های ناروایی را در این دو رشته به مذاهب دیگر داده و از بی خبری و جهالت توده ها نسبت به حقایق مبانی و منابع فقهی و کلامی مذاهب دیگر در کینه توزی های مذهبی استفاده کنند.